

گزارش خبری از وضعیت کارخانه بحرانی آجر پزی امید

انجمن همبستگی با کارگران

دوشنبه بیست پنجم شهریور ۱۳۸۷

برای حفظ امنیت همکاران از بردن نام معذوریم

يك فعال کارگری در رابطه با وضعیت فعلی کارخانه به خبرنگار "باید یکی شویم" گفت: "در حال حاضر مشکلات زیادی در کارخانه هست ولی من فقط به یکی از این مشکلات اشاره میکنم. اصلی ترین مشکل ما برق است. ما امکان این را نداریم که برای هر کارخانه يك ژنراتور بخریم. در مورد معضل بی برقی لازم است اشاره کنم که من خودم برای پرداخت دو فیش از صبح تا ظهر در بانک بودم. از صبح تا ظهر در نوبت بودم همین که نوبتم شد برق رفت و مجبور شدم بروم يك بانک دیگر. دوباره رفتم در نوبت تا عصری متاسفانه مجدداً تا نوبتم شد برق قطع شد و تا عصر اسیر دو فیش بودم که در نهایت هم پرداخت نشد و يك روز دیگر باید برای این کار اختصاص بدهم. مشکل برق باعث شده که کارخانه بخوابد. گذشته از این که چه قیمت گزافی به خاطر برق پرداخت میکنیم ولی برقی هم وجود ندارد.

این فعال کارگری در ادامه افزود: "تنها دلیل نیستن کارخانه زمین کارخانه است به دلیل این که بازار خراب است ما با وجود این که نه صادرات داریم و نه واردات با این هم مشکل مواجه هستیم، حالا شما حساب کنید آنهایی که درگیر صادرات و واردات هستند چه میکنند!! در واقع با این وضعیت ادامه کار امکان ندارد و صرف ندارد که انرژی گذاشته شود و ما فقط به خاطر زمین است که روزانه سر کار می آئیم و کاری هم نیست بکنیم و فقط دستگاه ها را نظافت میکنیم. به دلیل این که شهرداری ۷۰ درصد زمین را گرفته و به دنبال بقیه زمین هم هست. مدتهاست که ما يك نامه از طرف کارگران کارخانه به شهرداری داده ایم که هنوز جوابی نداده اند و ما را دور خودشان میچرخانند و متاسفانه شهرداری با ما همکاری نمیکند و کار خودشان را پیش میبرند هر روز در روزانه، رادیو، رسانه ها و تلویویزن قولهایی میدهند ولی عمل نمیکند. مدت هاست میخواهند شهر قرچک ورامین را درست کنند و اگر میخواستند میتوانند همین الان يك آموزشگاه بزرگ یا يك فضای ورزش و غیره درست بکنند و شهر را سر و سامان بدهند ولی نکردند و فقط سر مردم را گرم میکنند." وی در ادامه افزود: "کارگران آجرپزی در ورامین محکوم به فنا هستند. واقعا کارگران تحت فشار هستند متاسفانه قانون کار و عدالت در ایران وجود ندارد. برادرم بازنشسته شده است بیمه باز نشستگی ۳۰۰ تومان است! آخر کجای دنیا و کدام کارگر میتواند با ۳۰۰ تومان زندگی را بچرخاند. چند روز پیش رفتم دکتر و دفتر چه داروهایم را گذاشتم روی میز دکتر که دیدم دارد میخندد گفتم ببخشید چیزی خنده داری نوشته که شما میخندید گفت نه ولی این داروها دیگر با دفتر چه نمیشود گرفت. گفتم مگر تقویت کننده است؟ گفت؟ نه ولی دیگر نمیتوانید با دفتر چه بگیرید من هم نمیتوانم کاری براتون بکنم گفتم خوب اگر کسی سرطان داشته باشد چی؟ دکتر هم حرفی نداشت و گفت نمیتوانم کاری بکنم من هم چاره ای بجز این که بدون دارو برگردم نداشتم. این چه بی قانونی است که در مملکت ما وجود دارد متاسفانه دولتی هم نیست که کاری انجام بدهد و دولت هم درگیر مسایل خودش است و کاری به مردم ندارد بیچاره مردم که گیر اینها افتاده اند." انجمن همبستگی با کارگران- ندا ملکی در یکشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۸۷